

واکاوی مفهوم خلوت به عنوان مفهومی مشترک در شعر مولانا و معماری (عناصر و تزئینات)

محمدابراهیم مظه‌ری^۱ ID، ویدا تقوایی^۲ ID، سحر برهانی‌فر^۳ ID

۱. نویسنده مسئول، دانشیار گروه معماری دانشکده عمران و معماری دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

Email: m_e_mazhary@scu.ac.ir.

۲. دانشیار گروه ساختمان و معماری، دانشکده معماری، دانشگاه فنی و حرفه ای تهران، ایران.

۳. عضو سازمان نظام مهندسی خراسان رضوی، مشهد، ایران.

چکیده

مقدمه: شناخت مفاهیم اساسی در معماری بدون توجه به ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی انسان‌ها میسر نمی‌گردد. از آنجایی که انسان موجودی اجتماعی است؛ برای تعامل به چهار نوع ارتباط «خدا»، «خود»، «جهان» و «هم‌نوعان» نیازمند است. چگونگی این ارتباطات تنظیم رابطه با دیگران را رقم می‌زند. در این میان، خلوت به عنوان یکی از مفاهیم اساسی مرتبط با ابعاد وجودی انسان و از مهمترین ویژگی‌های کیفی محیط است که می‌تواند به زمینه مناسبی برای این ارتباطات بیانجامد. این پژوهش با هدف بررسی مفهوم خلوت در اندیشه مولانا و پاسخ به این پرسش که مصادیق خلوت مولانا در عناصر و تزئینات معماری کدام‌اند؟ تدوین شده است.

روش پژوهش: پژوهش حاضر به لحاظ هدف در زمره تحقیقات بنیادی و از نوع کیفی است و از روش‌های فراتحلیل و مقایسه تطبیقی استفاده شده است. روش گردآوری اطلاعات، علاوه بر مطالعه اسنادی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها و مصاحبه و پرسش‌نامه باز است و جهت تحلیل داده‌های کیفی و کدگذاری و بررسی میزان فراوانی کدهای مستخرج از مصاحبه، از نرم‌افزار NVivo استفاده شده است.

یافته‌ها: براساس مدل نظری مفهوم خلوت در شعر مولانا و راهبرد استدلال منطقی حاصل از یافته‌های پژوهش ارتباطات چهارگانه در اندیشه مولانا بر چهار حالت از خلوت «خلوت با خود»، «خلوت با خدا»، «خلوت با محرم اسرار»، «خلوت در جلوت» تأکید می‌کند.

نتیجه‌گیری: براساس نتایج این پژوهش مفاهیم مشترک خلوت در اندیشه مولانا و عناصر و تزئینات معماری، مؤلفه‌هایی همچون «خیال»، «همنشینی اصداد نور و تاریکی»، «خال» و «فضای تهی»، «محوریت عمودی عالم»، «خاصیت آیینگی» به عنوان مفاهیم مرتبط با «خلوت با خدا» و مؤلفه‌های «اندرون و برون» و «تنهایی» در راستای «خلوت با خود» و «محرمیت» در راستای خلوت با دیگران و جمع است.

کلیدواژه

خلوت، معماری، مولانا، تزئینات

ارجاع به این مقاله: مظه‌ری، محمدابراهیم، تقوایی، ویدا و برهانی‌فر، سحر. (۱۴۰۳). واکاوی مفهوم خلوت به عنوان مفهومی مشترک در شعر مولانا و

معماری (عناصر و تزئینات). پیکره. DOI: <https://doi.org/10.22055/PYK.2024.19515>

مقدمه و بیان مسئله

عناصر و تزئینات بخش با اهمیت معماری ایران در دوران اسلامی است و همواره به‌وسیله آن‌ها مفاهیم و معانی فراتر از زیبایی‌شناسی صرف بیان شده است. معماری اسلامی «معماری فرم» نیست و درون‌مایه‌های آن بیشتر در قالب تزئینات مطرح می‌شود. در نظریه معناگرایان و در تقابل با دیدگاه‌های شکل‌گرایان، نقوش و تزئینات، ماهیتی غیرتاریخی، عرفانی و متفکرانه دارند و از این منظر تزئینات تنها یک پوسته ظاهری نبوده، بلکه دارای عمق و سطوح مختلف با معناهای نمادین و متعالی‌اند. در حقیقت، تزئینات معماری، جزء جدا نشدنی معماری دوره اسلامی بوده و بخش عمده‌ای از آن را تشکیل می‌دهد. این تزئینات شامل کوچکترین اعضای معماری در ساده‌ترین شکل ممکن تا کلی‌ترین و عمده‌ترین بخش‌های معماری مانند گنبد و شبستان با مصالح مختلف در شکل‌های هندسی یا انتزاعی زیبا با سبک‌های گوناگون است. زیبایی و جلال معماری ایران، علی‌الخصوص پس از ورود اسلام، به تزئینات و هنرهای تزئینی آن بستگی دارد. معماری همواره علاوه بر کالبد یک بنا روح خود را در عناصری چون تزئینات بازخوانی می‌کند. در حقیقت عناصر و تزئینات معماری می‌توانند مفاهیم متعالی مرتبط با ابعاد وجودی انسان‌ها را عینیت بخشند. توجه به مفاهیم متعالی مرتبط با ابعاد وجودی انسان نقش به‌سزایی در آرامش انسان‌ها داشته و از اهداف اصلی معماری است. در این میان یکی از مهمترین مفاهیم متعالی مرتبط با ابعاد وجودی انسان مفهوم خلوت است. خلوت یکی از مفاهیم اساسی و تأثیرگذار بر انسان و ارتباطش با اجتماع محسوب می‌شود که انسان برای رسیدن به آرامش به آن نیازمند است. خلوت در فرهنگ اسلامی از مهمترین نیازهای معنوی برای خویش‌نگری و ارتباط قلبی با پروردگار است. در حقیقت «خلوت» یکی از ویژگی‌های اساسی همه فرهنگ‌های انسانی است که نباید بدون دلیل نقض شود. اعتقادات ریشه‌دار در عرفان شرقی و آیین‌ها و مسالک مختلف در ایران همچنین موجب شده که داشتن یک حریم شخصی برای خلوت یکی از عناصر مهم در معماری ایرانی باشد. در معماری دوره اسلامی مشاهده می‌کنیم که به‌طور خاص در بعضی بناهای عمومی مثل مسجد، خانقاه یا مدرسه، مکان‌هایی به این امر اختصاص یافته است. مکان‌هایی که به گوشه، زاویه یا خلوت‌خانه نیز شهرت دارند و «سالکان الی الله» در آنجا برای انجام مناسکی مثل اعتکاف یا چله‌نشینی به‌سر می‌برده‌اند. تعریف مفهوم خلوت بسیار پیچیده و شامل ابعاد مختلفی است و مطالعات نظری و تجربی فراوانی در حوزه‌های مختلف همچون روانشناسی، عرفان، ادبیات و معماری در ارتباط با مفهوم خلوت صورت گرفته است. با توجه به اینکه اندیشه‌های رایج در هر دوره فرهنگی متأثر از اندیشه شماری از اندیشمندان، فیلسوفان، عارفان و عالمان آن عصر بوده است، از چنین منظری مثنوی و دیگر آثار مولانا از مهمترین منابع سده هفتم و بلکه سده‌های پس از آن است که پرداختن به آن می‌تواند نقش تأثیرگذار مفهوم خلوت در معماری را به‌همراه داشته باشد. هدف از پژوهش حاضر بررسی مفهوم خلوت در اندیشه مولانا و یافتن مصادیق خلوت مولانا در عناصر و تزئینات معماری است و در رابطه با این موضوع، سؤالی که مطرح می‌شود این است که مصادیق خلوت مولانا در عناصر و تزئینات معماری کدام‌اند؟

روش پژوهش

رویکرد پژوهش حاضر کیفی است که از روش گراند تئوری^۱ (داده‌بنیاد) استفاده شده است. این روش یک شیوه پژوهش کیفی است که با استفاده از دسته‌بندی داده‌ها نظریه‌ای تکوین می‌یابد. روش نظریه داده‌بنیاد معمولاً به سه شیوه اجرا می‌شود: شیوه سازاگرا، شیوه سیستماتیک و شیوه نواخته. در پژوهش حاضر، از روش سیستماتیک

که به «استراوس و کوربین»^۲ نسبت داده می‌شود، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. روش سیستماتیک خود دارای سه مرحله اصلی کدگذاری انتخابی، کدگذاری محوری و کدگذاری باز است (Straus & Corbin, 2017). جامعه آماری این پژوهش شامل افراد صاحب‌نظر و اساتید دانشگاه در رشته معماری است. روش گردآوری اطلاعات شامل مطالعه اسنادی، دیدگاه‌ها و مصاحبه و پرسش‌نامه باز است. در این پژوهش با ۳۵ نفر مصاحبه انجام شده است. مصاحبه‌های عمیق با طرح سؤالاتی در مورد مفهوم خلوت در شعر مولانا صورت گرفت. جهت تحلیل داده‌های کیفی و کدهای مستخرج از مصاحبه از نرم‌افزار NVivo استفاده شده و در انتها مدل نظری مضامین خلوت در شعر مولانا ارائه شده و به کمک روش مفهوم‌پردازی و موردکاوی و مقایسه تطبیقی بین مفاهیم خلوت، مصادیق معماری آن ارائه گردیده است. فرآیند انجام پژوهش در تصویر ۱ قابل مشاهده است.



تصویر ۱. فرآیند انجام پژوهش.
منبع: نگارندگان.

پیشینه پژوهش

«برهانی‌فر، مظهری، تقوایی، وثیق و اشرف‌زاده» (۲۰۲۲) ضمن بررسی مؤلفه‌های ایجاد خلوت در مساجد، بر سه حالت از خلوت تأکید می‌نمایند. این حالات از خلوت با توجه به شرایط انسان می‌توانند همراه و ملازم یکدیگر باشند. حالت اول «خلوت با خود» است که به‌واسطه مؤلفه‌هایی همچون «توجه به سیر درونی برای وصال به حقیقت، نیایش، تفکر، ذکر، توکل، درونگرایی، اندرون و بیرون، سلسله‌مراتب و پویایی، سیالیت، مکت» ایجاد می‌گردد. حالت دوم «خلوت با خدا» است که به‌واسطه مؤلفه‌هایی همچون همنشینی نور و تاریکی، مرکز، خلأ، سیر از کثرت به وحدت شکل می‌گیرد و در نهایت حالت سوم «خلوت در انجمن» است که به‌واسطه مؤلفه‌هایی همچون ارتباط مؤثر، همدلی، ارتباط کلامی و ارتباط غیر کلامی ایجاد می‌گردد. نتایج همچنین بر عناصری همچون هندسه نقوش به‌کار رفته در مساجد «شمسه» حضور کتیبه‌های قرآنی و پوشش سطوح بنا با لایه‌ای از نقش و

رنگ‌های متنوع، سازماندهی کالبدی و فضایی، محوریت قبله و مرکزیت، ارتباط میان درون و برون، تناوب نور و تاریکی، ریتم طاق‌نماهای موجود در صحن، مناره و گنبد در راستای «خلوت با خود و خدا» و بر عناصری همچون صحن و شبستان در راستای «خلوت در جمع» تأکید می‌کند. همچنین «برهانی فر و همکاران» (۱۴۰۰) در پژوهشی دیگر و با رویکردی انسان‌محور، چهارده شاخص مرتبط با چهار مؤلفه اصلی در «تأثیرگذاری خلوت بر تعاملات اجتماعی در مجتمع مسکونی ششصد دستگاه در شهر مشهد» را مورد بررسی قرار داده و نتایج تحلیلی را ارائه نموده‌اند. در بخشی از نتایج پژوهش بیان می‌شود که توجه طراح به شاخصه‌ها و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات با رویکردی به حفظ خلوت، نقشی تعیین‌کننده در ارتقای تعاملات ساکنان مجموعه داشته است. تفکیک میان عرصه‌های عمومی و خصوصی نه تنها یکی از راه‌های دستیابی به خلوت مطلوب و تعامل سازنده میان ساکنان است، بلکه توجه به حریم خصوصی افراد به واسطه کنترل و وضوح مرزها عاملی مهم و مؤثر بر تعاملات اجتماعی است. تعریف مرزها از طریق تفکیک عرصه‌های نیمه‌خصوصی بین عرصه‌های عمومی و خصوصی ضمن افزایش احساس کنترل در افراد، منجر به تمایل به تعامل سازنده با دیگران می‌گردد. چرخچیان و دانشپور (۲۰۱۱) در پژوهش روی مجموعه‌های مسکونی جدید شهری بر تأمین خلوت در دو حوزه اصلی یعنی (حریم خانوادگی و حریم خصوصی) به عنوان دو مؤلفه تأثیرگذار در تأمین آرامش و امنیت ساکنان تأکید می‌نمایند. خامنه‌زاده (۱۳۹۶) به معماری خانه ایرانی در «مفهوم خلوت و چگونگی تحقق آن در زیست-جهان خانه ایرانی» پرداخته‌اند. ارژمند و خانی (۱۳۹۱) همچنین ضمن پرداختن به مفهوم «خلوت» و بررسی این مفهوم در حوزه فرهنگ اسلامی، بر دو نسبت «خلوت با خویش» و «خلوت با خدا» تأکید می‌کنند. سمنانی (۱۳۶۲)، اسفرائینی (۱۳۵۸)، نجم‌الدین رازی (۱۳۷۳) در ارتباط با خلوت‌گزینی به عنوان یکی از مباحث مهم در میان صوفیان، رساله‌های متعددی با عنوان «آداب‌الخلوه» و «اسرارالخلوه» در شرایط، چگونگی، استحباب و فواید آن نگاشته‌اند. «علامه محمدتقی جعفری» در رابطه با ارتباطات چهارگانه که عبارتند از «ارتباط انسان با خویشتن»، «ارتباط انسان با خدا»، «ارتباط انسان با جهان هستی» و «ارتباط انسان با انسان‌های دیگر» چنین بیان می‌کند: اساساً در قلمرو دین از هر نوع معرفتی در ارتباطات چهارگانه، معارف کلی و دریافت‌های شهودی وجود دارد که پاسخ‌گوی سؤالات زیربنایی انسان است (جعفری، ۱۳۸۶، ۲۶). تاکنون اندیشمندان در حوزه‌های مختلف، پاسخ‌های متفاوتی در این خصوص ارائه داده‌اند. «مولانا جلال‌الدین محمد بلخی» (۶۰۴-۶۷۲) در آثار خویش به‌ویژه در مثنوی معنوی، در کنار سایر موضوعات عرفانی از چهار نوع ارتباط «خدا»، «خود»، «جهان» و «همنوعان» سخن می‌گوید. مولوی همواره در آثار خود بر مبانی و پایه‌های اخلاقی تأکید دارد و درصدد تبیین و توضیح آن‌هاست. در این میان یکی از مباحث مرتبط با مراتب وجودی انسان و ارتباطات چهارگانه در اندیشه مولانا «خلوت» است. بررسی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که مفهوم خلوت در معماری ایران بیشتر در حوزه «خلوت در خانه» یا «خلوت در فرهنگ اسلامی» است. در پژوهش حاضر تمرکز بر ارائه مصادیق خلوت مولانا در بناهای معماری عمومی دوره صفویه در شهر اصفهان می‌باشد.

مبانی نظری

۱. مراتب خلوت در اندیشه مولانا

۱-۱. **خلوت با خود:** خلوت‌گزینی یکی از راه‌های سلوک، مجاهدت و ریاضت نفس سالک مقیم در سلوک است. دارای مراحل است تا مقامات و احوال را یکی پس از دیگری طی کند و به صفات الهی متصف گردد. از دیدگاه عارفان تنها راه و یا حداقل صحیح‌ترین راه این شناخت، همانا شناخت نفس خویشتن است (کاکایی، ۱۳۸۲، ۲۷۹). از دیدگاه مولانا مراحل اولیه خلوت همان پرداختن به حقیقت و گوهر اساسی خویشتن است؛ بنابراین بر عرفان نفس و توجه به سیر احوال درون برای رسیدن به حقیقت تأکید کرده و می‌فرماید: من نخواهم شد از این خلوت برون / زآنکه مشغولم به احوال درون (مولوی، ۱۳۸۹، ۱ / ۵۹۴). در اندیشه مولانا «هیچ علمی شریف‌تر از علم خودشناسی نیست. او می‌گوید دانش قدسی و پاک گوهر است که به آدمی کمک می‌کند تا خود را بشناسد» (زمانی، ۱۳۸۳، ۳۲۰). در این راستا مولانا به دو نوع «خود» معتقد است؛ یکم خود حقیقی که ارتباط عمیق با خداوند دارد و ریشه‌اش در پیوستگی به اوست و دیگری خود کاذب به معنای خودی است که شخص به‌طور کاذب برای خویش پدید می‌آورد و مانع کشف خود حقیقی می‌شود. این «خود» ممکن است محصول برآیند ذهنی او باشد یا ممکن است در اثر روابط اجتماعی شکل گیرد؛ یعنی شخصیتی است که دیگران به او داده‌اند (خواج‌گیر و احمدپور مبارکه، ۱۳۹۳). مولانا برای دستیابی به «خود حقیقی» می‌گوید: جهد کن در بی خودی، خود را بیاب / زودتر، والله اعلم بالصواب (مولوی، ۱۳۸۹، ۴ / ۳۲۱۸). مولانا همچنین برای دستیابی به خود حقیقی و مبارزه با خود کاذب بر خلوت‌گزینی تأکید می‌نماید و می‌فرماید: روی در دیوار کن تنها نشین / وز وجود خویش هم خلوت گزین (مولوی، ۱۳۸۹، ۱ / ۶۴۵). بنابراین «خلوت با خود» یا «سیر من الخلق الی الحق» به تنهایی و با دوری از مردم با هدف تهذیب و تزکیه نفس و خودشناسی و انس با خداوند اشاره دارد. سالک با تزکیه نفس و پاک نمودن درون از آلودگی‌های نفسانی با جلا بخشیدن به آئینه دل و کنار نهادن حجاب‌های ظلمانی متخلق به صفات الهی می‌شود. این نوع خلوت همواره ملازم یاد خداست و «خلوت با خدا» را هم دربر می‌گیرد.

۱-۲. خلوت با خدا «ذکر، سکوت و خاموشی، ارتباط با جهان آفرینش»

۱-۲-۱. **ذکر «خلوت با خدا»:** یکی از شرایط اساسی خلوت‌گزینی، چله‌نشینی و مراقبه و تداوم «ذکر» است؛ «ذکر» در آموزه‌های اهل طریقت بازتابی وسیع دارد و عرفا همواره در آثار خویش تأکید داشته‌اند که بدون تداوم بر ذکر، انتظار تغییر و تحول در سالک نباید داشت و همانگونه که شیر برای تغذیه و پروراندن طفل است، ذکر نیز ابزاری برای پرورش روح و رسیدن به مراتب والای معنوی در وجود سالک است (نسفی، ۱۳۸۸، ۱۵۳). «سهروردی» در «عوارف المعارف» می‌گوید که اساس چله‌نشینی نزد صوفیان ذکر و حفظ اوقات است؛ پس سالک باید در خلوت بنشیند و در ذکر مداومت داشته باشد؛ «هر آنکس که خواهد که از عالم شهادت به عالم غیب رسد، شرط آنست که از دنیا و جذب مال اعراض کند و در خلوت نشیند و به مداومت اذکار و ملازمت افکار اقبال کند تا از نشیب عالم شهادت به فراز عالم بالای غیب عروج کند» (سهروردی، ۱۳۷۴، ۱۰۰). در اندیشه مولانا ذکر عاملی برای محو کردن تمام پلیدی‌ها است که آئینه دل را با بیرون راندن اغیار از صحیفه روح پذیرای نور الهی می‌گرداند.

۱-۲-۲. **سکوت و خاموشی «خلوت با خدا»:** «سکوت و خاموشی»^۳ یکی از مفاهیم مرتبط با مفهوم خلوت مورد نظر مولانا است. مولانا گاه با زبان نافذ و گاهی با خاموشی پر رمز و رازش حقایقی را بیان کرده است. سکوت

و خاموشی مولانا، از جنس ناتوانی و درماندگی نیست؛ بلکه وسیله‌ای برای القای بهتر معانی‌ای است که برای ما بازگو کرده است. سالکان به‌منظور طی کردن مراحل سلوک سکوت اختیار می‌کنند. سکوت در مراحل اولیه سلوک را «سکوت سالکانه»^۴ و سکوت در مراحل بالاتر را سکوت عارفانه می‌نامند. سکوت عارفانه از لحاظ فلسفی - نظری، بر دو قسم «سکوت وجودشناختی» و «سکوت معرفت‌شناسانه» است (دباغ، ۱۳۸۶، ۳۴). «سکوت وجودشناسی»، بی‌کرائگی است و اتحاد سالک با حقیقت را حکایت می‌کند و سکوت معرفت‌شناسانه، که مولانا سکوت در این مقام را از سر ناچاری می‌داند، زبان یارای بازگویی این حالات عرفانی را ندارد؛ بنابراین سکوت اختیار می‌کند (عارف‌زاده، ۱۳۸۹). این سکوت بر اثر شناخت و معرفت از حقیقت، به‌دست می‌آید. «سکوت در مقام معرفت»^۵ که از طریق کتاب و درس و مدرسه حاصل نمی‌شود و به آن علم‌الیقین^۶ هم می‌گویند. اگر سالک در این مرحله از سکوت معرفت‌شناسانه، به سیر صعودی خود ادامه دهد، ابتدا به وادی عشق گام می‌نهد و سپس به مقام فنا می‌رسد (عارف‌زاده، ۱۳۸۹). در حقیقت خلوت با خدا در مراحل بالاتر همان مقام «معرفت» است که انسان به‌واسطه شناخت حقیقت و ناتوانی در بازگویی حالات عرفانی، سکوت اختیار می‌کند. بنابراین بالاترین مرحله خلوت با خدا (خلوت باطنی) نه‌تنها سکوت معرفت‌شناسانه را دربر می‌گیرد، بلکه به‌واسطه سیر صعودی از سه مقام معرفت به عشق و سپس فنا می‌گذرد و می‌تواند منجر به رسیدن بنده به بارگاه کبریایی شود.

۳-۲-۱. ارتباط با جهان آفرینش «خلوت با خدا»: در اندیشه مولانا، اجزای طبیعت نمود حق تلقی می‌شوند و جلوه‌های ظهور خداوند هستند: «کل خلقت جز یک کار انجام نمی‌دهد و آن آشکار ساختن کنز مخفی است» (مولوی، ۱۳۸۹، ۱۶۶). جمال مطلق حق تعالی جمالی قدسی است و از شدت آشکاری از خلق نهان است و دیدن او بی‌واسطه ممکن نیست و خود واسطه‌ها به ذات در نسبت به حق در عدم محض‌اند (احمدی ملکی، ۱۳۸۷، ۳۲). در این راستا مولانا می‌فرماید: نطق آب و نطق خاک و نطق گل / هست محسوس حواس اهل دل (مولوی، ۱۳۸۹، ۱/۳۲۷۹). در حقیقت جهان آفرینش و هر مکانی همچون باغ در اندیشه مولانا واسطه‌ای برای شناخت و خلوت با خداست (شهیدی، ۱۳۸۰، ج ۲، ۳۲۹-۳۳۰). در این بیت‌ها گویند لطفی که در باغستان می‌بینیم از خدای سبحان است و آن کس که اهل معنی است چون در این زیبایی‌ها نگیرد، داند که جز از خدا نیست (شهیدی، ۱۳۸۰، ۱۲/۳۳۰).

۳-۱. خلوت در جمع «خلوت در جلوت»: برخلاف گروهی از صوفیان که انزواطلبی و دوری از اجتماع را القا می‌کنند، مولوی بر حضور و مشارکت در اجتماع و در میان آحاد مردم تأکید دارد و آن را از ضرورت‌های سلوک در طریق کمال می‌داند. مولانا در مناظره «مرغ با صیاد» (مولوی، ۱۳۸۹، ۴۸۳/۶-۴۷۸) همچنین درباره رهبانیت، ضمن بیان پیامدهای مثبت زندگی اجتماعی، به نفی ترک دنیا و رهبانیت در دین اسلام و سنت پیامبر (ص) می‌پردازد (فتح‌الهی و صحرائی، ۱۳۹۲). در حقیقت مولوی در هر مکانی، به‌تنهایی یا در جمع، از بام مدرسه و باغ گرفته تا حمام، خلوت درونی خود را داشت (افلاکی، ۱۳۷۵، ۸۰؛ سپهسالار، ۱۳۸۷، ۸۸) گاهی اوقات در سردابه حمام که یارانش قالیچه و مفرمه پهن می‌کردند، آرام می‌گرفت (افلاکی، ۱۳۷۵، ج ۱، ۱۲۶) و گاهی هم در میانه گرمابه می‌نشست و معانی می‌گفت و یارانش شورها به پا می‌کردند (افلاکی، ۱۳۷۵، ۲۲۳). مولانا نه‌تنها از مردم دوری نمی‌کرد، بلکه همواره در همه‌جا، در کمال خشوع با مردم بود و خلوت درونی خود را داشت. مولانا بیشتر اوقات خود را به خلوت و ریاضت در خزینه حمام می‌گذراند. زمانی که از کثرت ازدحام خلق و مصاحبت اهل دنیا دل‌تنگ می‌شد، به حمام می‌رفت: «حضرت خداوندگار چون از کثرت ازدحام رجوع خلق ملول شدی، به حمام رفتی، چون در حمام نیز زحمت بردندی، در مخزن آب شدی» (سپهسالار، ۱۳۸۷، ۱۰۴). مولوی پس از این ریاضت‌های طولانی در حمام، مستغرق بارقات وصل می‌شد و معانی عالی عرفانی را بیان می‌کرد. در بیشتر موارد

غزل خوان و سماع‌کنان با یاران از حمام بیرون می‌آمد (پیشوایی و قیومی بیده‌ندی، ۱۳۸۷). «خلوت در انجمن» از دیدگاه مولانا همان «خلوت در جلوت» است؛ حالتی از خلوت باطنی است که انسان با اخلاص^۲ در هر مکانی و در همهٔ احوالات روحی به ذکر حق مشغول است؛ پس انسان‌ها در عین اینکه با جمعی در تعامل‌اند، می‌توانند با حق، در درون خود، در خلوت باشند.

ارائه مدل مفهومی خلوت مولانا

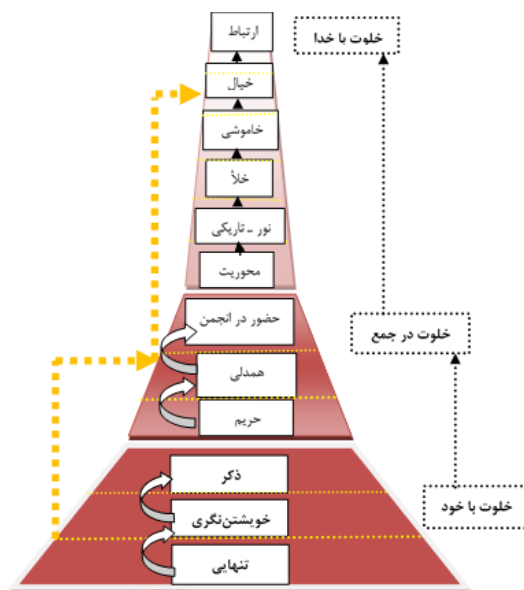
نتیجه و خلاصهٔ مباحث فوق بیانگر این نکته است که مولوی در آثار خویش در کنار سایر موضوعات عرفانی از چهار نوع ارتباط: (ارتباط با خدا، خود، جهان، و همنوعان) سخن می‌گوید و خلوت‌گزینی را یکی از مراتب وجودی انسان می‌داند تا سالک طریق این مراحل را یکی پس از دیگری طی کند و به صفات الهی متصف گردد. تصویر ۲ مراتب خلوت در اندیشهٔ مولانا با توجه به ارتباط چهارگانه را نشان می‌دهد.



تصویر ۲. مراتب خلوت در اندیشهٔ مولانا با توجه به ارتباطات چهارگانه. منبع: نگارندگان.

با مطالعه مصاحبه‌های ۳۵ محقق و مولوی‌شناس منتخب پژوهش حاضر و مشخص کردن نکات مشترک و مهم مفاهیم طرح شده در مصاحبه‌ها، کدگذاری، ترکیب و سطح بندی مفاهیم با توجه به قابلیت نرم افزار NVivo، در مدل‌سازی، «بازارزشیابی داده‌ها» انجام گرفت و میان کدها و طبقات استخراج شده از مصاحبه با ۳۵ پژوهشگر، ارتباط منطقی برقرار و مدل مفهومی ایجاد خلوت در اشعار مولانا تدوین شد که در تصویر ۳ نمایش داده شده است.

تصویر ۳. مدل مفهومی ایجاد خلوت در شعر مولانا. منبع: نگارندگان.



مفاهیم مشترک خلوت مولانا و معماری

در این بخش پس از بررسی و ارائه مؤلفه‌های سازنده مفهوم خلوت در شعر مولانا و تدوین مدل مفهومی خلوت در اشعار وی، مصادیق آن در معماری موردکاوی شد. با توجه به بررسی مفاهیم مشترک خلوت در اندیشه مولانا و مصادیق آن در عناصر و تزئینات معماری، در پاسخ به سؤال پژوهش، نتایج پژوهش همچنین بر مفاهیمی همچون خیال لامکانی - لازمانی همنشینی اضداد نور و تاریکی، خلأ و فضای تهی، محوریت عمودی حول مرکز، خاصیت آیینگی، بر تنهایی، اندرون - برون تأکید می‌کند. جدول ۱ مفاهیم مشترک مرتبط با مفهوم خلوت مولانا و معماری و مصادیق شکلی آن در عناصر و تزئینات معماری را نشان می‌دهد.



جدول ۱. مفاهیم مشترک مرتبط با مفهوم خلوت مولانا و معماری (عناصر و تزئینات معماری). منبع: نگارندگان.

مصادیق در شعر و معماری	مفاهیم مشترک مرتبط با مفهوم خلوت مولانا و معماری		
صورتش بر خاک و جان بر لامکان / لامکانی فوق وهم سالکان لامکانی نه که در فهم آیدت / هر دمی در وی خیالی زایدت لامکانی که در او نور خداست / ماضی و مستقبل و حال از کجا	تأکید بر حضور نور خداوند در «لامکانی» و «لازمانی»	هم‌لانا	لامکانی - لانا

مصادیق در شعر و معماری	مفاهیم مشترک مرتبط با مفهوم خلوت مولانا و معماری	
<p>متوقف کردن زمان در همنشینی مرکز، نور و آب</p>   <p>نورگیر سقف فضای مرکزی کاخ هشت‌بهشت http://archnet.org/library</p>	<p>متوقف کردن زمان «پشت سرگذاشتن زمان آفاقی و تجلی زمان را در یک جاودانه» «عبور و انتقال از حرکت به سکون، از زمان به سرمد و از انسان به خدا».</p> <p>حضور رمزگونه آب، نور و نقوش و مقرنس‌های طاق و گنبد در فضای مرکزی هشت‌بهشت اصفهان، زایش اشراقی وجود آن عالم را از طریق خیال و جان به منصف ظهور رسانده است.</p> <p>۱. مرکز جلوه‌ای از ذات الهی ۲. حضور نور رمز تجلی حضور خداوند است. ۳. انعکاس نور از سطح آب و پخش شدن در فضا</p> <p>نور در این معماری همچون عنصری مقدس که حضور خدا را در مراتب مختلف تجلی بازمی‌تاباند، مقتصدانه و محتاطانه و در عین حال هنرمندانه وارد فضا می‌شود و با عامل متضاد و مکمل آن یعنی تاریکی چنان عجیب می‌گردد که فضای مرکزی را در آشتی عارفانه نور با تاریکی، رمزگونه برای تجلی آن صورت و زیبایی متعالی نگه می‌دارد.</p>	<p>معماری</p>

ادامه جدول ۱. ادامه: مفاهیم مشترک مرتبط با مفهوم خلوت مولانا و معماری (عناصر و تزئینات معماری). منبع: نگارندگان.

 <p>نقوش شمسه در هشت‌بهشت. منبع: www.archnet.org.</p>	<p>تمرکز و سکون ایجاد شده به واسطه نقوش شمسه نه تنها نقطه دید ثابت و انسان ساکن را معرفی می‌کند، بلکه ضمن اشاره به وحدت و یگانگی خداوند نقش به‌سزایی در برانگیختن تفکر و خلوت افراد به‌همراه دارند. پوشش سطوح بنا با لایه‌ای از نقش و رنگ‌های متنوع همچنین عامل تأثیرگذار دیگری در تفکر و آرامش افراد است.</p>	<p>معماری</p> <p>تفکر (خلوت با خدا)</p>
<p>چو شب به خلوت معراج تو مشرف شد/ به آفتاب نظر می‌کند به صد خواری</p>	<p>نور در اندیشه مولانا تجلی حضور خداوند است. تأکید بر خلوت با خدا در تاریکی شب به‌منظور دریافت نور الهی و دست یافتن به اسرار و رموز الهی است.</p>	<p>مولانا</p> <p>همنشینی افساد نور و</p>

	<p>نور در معماری اسلامی تجلی حضور خداوند است. همنشینی نور و تاریکی و حضور کنترل شده نور در فضای داخلی مساجد به واسطه پنجره‌های مشبک نقش به‌سزایی در تجلی نور الهی و حس خلوت افراد به‌همراه دارد.</p>	<p>معماری</p>	
	<p>روشنایی متمرکز پنجره‌ها در کنار انبساط و گستردگی نور در فضای شبستان همچنین عاملی تأثیرگذار در قبض و بسط احساسات است.</p> <p>تاریکی دالان‌ها ضمن فراموشی افراد از دنیای بیرون و توجه به درون، احساس حضور خداوند را دوچندان می‌نماید. همنشینی نور و تاریکی در فضای مساجد نه تنها فرصتی برای مکث و انفصال از دنیای مادی و اتصال به نورالهی را تداعی می‌کند، بلکه حالتی از سکون، خلأ و حس خلوت را به‌همراه دارد.</p>		

ادامه جدول ۱. ادامه: مفاهیم مشترک مرتبط با مفهوم خلوت مولانا و معماری (عناصر و تزئینات معماری). منبع: نگارندگان.

مصادیق در شعر و معماری	مفاهیم مشترک مرتبط با مفهوم خلوت مولانا و معماری		
<p>آواز داد اختر بس روشنست امشب / گفتم ستارگان را مه با منست امشب بررو به بام بالا از بهر الصلا را / گل چیدنست امشب می‌خوردنست امشب تا روز ساغر می در گردش است و بخشش / تا روز گل به خلوت با سوسنست امشب</p>	<p>تأکید بر آسمان و زیبایی‌های آن مسیری به‌سوی هستی حقیقی و اشاره بر محوریت عمودی عالم حول یک مرکز</p>	<p>مولانا</p>	<p>محوریت عمودی حول یک مرکز (خلوت با خدا)</p>

 <p>نقش زیر گنبد مسجد «شیخ لطف‌الله». منبع: http://archnet.org</p>	<p>رمز گنبد، آسمان و مرکزش به‌عنوان محور جهان و تأکید بر جهت عمودی حول مرکز به‌عنوان محوری مقدس نشان‌دهنده حرکت همه اجزای هستی به‌سوی کمال و مفهوم الوهیت است.</p> <p>حضور شمشه‌ها همچون ستارگان دور خورشید ضمن تأکید بر محوریت عمودی عالم، با حس تهی بودن و وحدت در کثرت همراهند.</p> <p>این نوع نقوش در زیر گنبد مسجد «شیخ لطف‌الله» دید را از سمت پایین به سمت بالا و به اوج گنبد می‌کشاند. در این نقطه همه اشکال محو و یکی می‌شوند و یگانگی با خداوند را نشان می‌دهند. این نقوش نه‌تنها نشان‌دهنده حس کثرت در وحدت هستند، بلکه ضمن بسط و گشودگی در درون انسان، نقش به‌سزایی در خلوت و تمرکز افراد به‌همراه دارند.</p>	<p>معماری</p>
--	---	---------------

ادامه جدول ۱. ادامه: مفاهیم مشترک مرتبط با مفهوم خلوت مولانا و معماری (عناصر و تزئینات معماری). منبع: نگارندگان.

<p>من نخواهم شد ازین خلوت برون / زانک مشغولم باحوال درون</p>	<p>تأکید بر پرداختن به احوال درون</p>	<p>مولانا</p>
<p>درون‌نگرایی و روی پوشیدن از بیرون و عطف توجه به درون؛ دالان مسجد «شیخ لطف‌الله»</p> 	<p>برای ورود به دالان مسجد باید از جلوخان مسجد عبور کرد. جلوخان مسجد «شیخ لطف‌الله» دارای یک پیش‌فضای عقب‌نشسته از جداره میدان نقش جهان بوده که درواقع دعوتی صمیمانه به درون مسجد را ارائه می‌دهد.</p> <p>مدخل در معماری معرف گذر و حرکت است و فضای دالان همان فضای انتقال، خلوت و حیرت است. این دالان تاریک دنیای خارج را از درون مسجد جدا و عابد را آماده ورود به این مکان مقدس می‌نماید. تاریکی فضا سبب فراموشی شخص از دنیای خارج و توجه به عالم والا و احساس حضور او در این مکان است. این فضا نقطه اتصال بین فضای بیرون و درون مسجد است. نور و تاریکی‌های این فضا فرصتی برای مکث، درنگ و خلوت در اختیار عابدان قرار می‌دهد.</p>	<p>معماری</p> <p>اندرون و برون (خلوت با خود)</p>
<p>که مرا عیسی چنین پیغام کرد / کز همه یاران و خویشان باش فرد روی در دیوار کن، تنها نشین / وز وجود خویش هم خلوت‌گزین</p>	<p>تأکید بر جدا شدن از یاران و خویشان تنها نشستن در خانه و تنها شدن حتی از خود «این تنهایی ظاهری مقدمه‌ای است برای اینکه انسان به «تنهایی حقیقی» یعنی خلوت‌گزیدن و رها شدن از وجود خویش (بی‌خود شدن) و سخن گفتن با حق برسد».</p>	<p>مولانا</p> <p>تنهایی (خلوت با خود)</p>

 <p>حضور کتیبه‌های قرآنی در مسجد «شیخ لطف‌الله»</p>	<p>حضور کتیبه‌های قرآنی در مساجد همچنین عاملی تأثیرگذار در تجلی ذکر و یاد خداوند است.</p>	<p>معماری</p>	
<p>چون که نامحرم درآید از درم/ پرده در پنهان شوند اهل حرم ور درآید محرمی دور از گزند/ برگشایند آن ستیران روی بند ما سمیعیم و بصیریم و خوشیم/ با شما نامحرمان ما خامشیم</p>	<p>سکوت و خاموشی در برابر حقایق با توجه به اینکه همدم لایق و محرم اسراری که رازها را با او در میان نهد نمی‌یابد.</p>	<p>مولانا</p>	<p>محرم اسرار خلوت با خدا</p>
	<p>پاسخگویی به محرمیت در خانه‌های سنتی ایران ایجاد لایه‌هایی از حریم خصوصی، عمومی، نیمه خصوصی و نیمه عمومی برای دستیابی به مراتب خلوت به واسطه سلسله مراتب فضایی، عملکردی و درون‌گرایی.</p>	<p>معماری</p>	

مقایسه تطبیقی بین مفاهیم خلوت در شعر مولانا و مصادیق شکلی آن در عناصر و تزئینات معماری به صورت جمع‌بندی نهایی حاصل یافته‌های پژوهش در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. جمع‌بندی مقایسه تطبیقی بین مفاهیم خلوت در شعر مولانا و مصادیق شکلی آن در معماری. منبع: نگارندگان.

مصادیق در معماری	شعر مولانا	مفاهیم
	*	تنهایی (خویش‌نگری)
«پستو»، «صندوق‌خانه»، «کنج یا گوشه»، «زاویه»، «گوشه»، «خلوت‌خانه»	*	گوشه‌نشینی
	*	تنهایی
	*	دلارام- سکینه
طراحی مرکز و متوقف کردن زمان در نقطه‌ای از فضا در فضای مرکزی کاخ «هشت‌بهشت» تمرکز و سکون ایجاد شده به واسطه نقوش «شمسه»	*	خیال (لامکانی- لازمانی)
	*	تفکر
فضای تهی در مساجد	*	خلأ و فضای تهی
	*	سکوت- خاموشی
جلوخان و دالان مسجد «شیخ لطف‌الله»	*	اندرون و برون
پاسخگویی به محرمیت در خانه‌های سنتی ایران به واسطه سلسله مراتب فضایی و درون‌گرایی	*	حریم
حضور کتیبه‌های قرآنی در مساجد	*	ذکر
فضای مرکزی در کاخ هشت‌بهشت	*	مرکزیت

مفاهیم	شعر مولانا	مصادیق در معماری
آیینگی	*	خاصیت آیینگی آب در چهل ستون
نور - تاریکی	*	حضور کنترل شده نور در فضا در کنار تاریکی در دالان مسجد «شیخ لطف‌الله»
محرم اسرار	*	محرمیت و تفکیک عرصه‌های خصوصی و عمومی در خانه‌های سنتی ایران
محوریت عمودی عالم	*	«رمز گنبد، آسمان و مرکز به‌عنوان محور جهان در گنبد مسجد «شیخ لطف‌الله»

نتیجه‌گیری

خلوت با خدا در اندیشه مولانا با مفاهیمی همچون سکوت و خاموشی، خیال، نور و تاریکی، محوریت عمودی عالم، ارتباط با جهان، خلأ و فضای تهی در ارتباط است. در راستای پاسخ به سؤال اصلی پژوهش و یافتن مصادیق خلوت مولانا در عناصر و تزیینات معماری، مفاهیم منطبق بر مصادیق معماری خلوت در جدول ۲ ارائه گردید. براساس تحلیل‌های انجام شده، مفاهیمی مانند تنهایی، گوشه‌نشینی و دلارام به‌لحاظ شکلی در پلان‌های معماری به‌صورت گوشه، پستو و زاویه نمود کالبدی پیدا می‌کنند. حضور کنترل شده نور (همنشینی نور و تاریکی) در دالان ورودی مسجد «شیخ لطف‌الله» دنیای خارج را از درون مسجد جدا و عابد را آماده ورود به این مکان مقدس می‌کند. تاریکی فضا سبب فراموشی شخص از دنیای خارج و احساس حضور او در این مکان است. مفاهیمی از قبیل خیال (لامکانی - لازمانی) و تفکر در طراحی مرکز و میانه بنا ظهور می‌یابد، نقطه‌ای در فضای مرکزی بناهایی همچون کاخ «هشت‌بهشت» و مسجد «شیخ لطف‌الله» که قادر به متوقف کردن زمان است. حضور رمزگونه آب، نور و نقوش و مقرنس‌های طاق و گنبد در فضای مرکزی هر دو بنا، وجود عالم لامکانی را از طریق خیال و جان، به منصف ظهور می‌رساند. خلأ و فضای تهی در فضای تهی مساجد نمود کالبدی می‌یابد. تهی کردن میانه فضا و تأکید فضای مرکزی، ضمن دعوت انسان به درون فضا، اشاره به حس حضور الهی دارد. «مرکز در مساجد بر پایه فضای خالی و خلأ بنا شده و با تجسم کثرت در وحدت همراه است.» «فضایی بدون کشش و جهت و عاری از هرگونه فرم مثبتی که مفهوم نیستی را القا می‌کند و با نگاهی به پیرامون خداوند را متذکر می‌شود.» خاصیت آینه‌گونی با استفاده از عنصر آب، مرز بین عالم حس و خیال را از طریق یکی کردن ماده و تصویر آن در خود، از میان می‌برد، در اینجاست که حس و خیال توسط آب و خاصیت آیینگی آن یکی می‌شوند. «استحاله عالم مادی در صور تمثیلی با از بین بردن مرز بین واقعیت و مجاز توسط آب» در معماری «چهل ستون» قابل مشاهده است.

مشارکت‌های نویسنده

این پژوهش با مشارکت همه نویسندگان نوشته شده است. همه نویسندگان نتایج را مورد بحث قرار دادند و نسخه نهایی دست‌نوشته را بررسی و تایید کردند. نویسنده اول بعنوان نویسنده مسئول بوده و پژوهش در دانشگاه شهید چمران اهواز انجام گرفته است.

تقدیر و تشکر

این پژوهش فاقد قدردانی و تشکر است.

تضاد منافع

نویسنده (نویسندگان) هیچ تضاد منافع احتمالی پیرامون تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله را اعلام نکردند.

منابع مالی

نویسنده (نویسندگان) هیچ گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکردند.

پی نوشت

1. Grounded theory

2. Strauss & Corbin

۳. اصولاً صمت در تصوف نوعی ریاضت به شمار می‌رود که سالک مجاهد از به‌جا آوردن آن ناگزیر است و از شرایط سلوک، خاموشی و نگاهداشتن زبان از گفتار لغو است (اورادالاحباب، ۶۸ و ۱۱۹)؛ به‌نقل از شرح اصطلاحات تصوف، گوهرین، ج ۷-۸ ص ۱۷۸ تا ۱۸۹، ۸.

۴. سکوت اخلاقی (مدیرانه) (سکوت سالکانه): این سکوت ناظر به آفات زبان است و سالک راه حقیقت ابتدا باید مسیر خود را از ردای اخلاقی پاک کند. از این رو عارفان کوی حق، سالکان را در کنار کم‌خوابی و کم‌خوراکی به کم‌گویی و گزیده‌گویی توصیه می‌کنند (عارف‌زاده، ۱۳۸۹).

۵. مولانا این سکوت و خاموشی را به دو علت می‌داند: ۱. شهود جلال و عظمت حقیقت ۲. شهود جمال حقیقت: بوی آن دلبر چو پر ان می‌شود/ آن زبان جمله حیران می‌شود (عارف‌زاده، ۱۳۸۹، ۳/۳۸۴۲).

۶. هرگونه دانشی که بشر را به سیر باطنی و شناختی واقعی عالم و حق رساند و انجامش به عین‌الیقین و کشف و مشاهده رسد، آن را علم‌الیقین نامند (گوهرین، ۱۳۸۲، ۲/۲۱۵). مولانا می‌فرماید: دفتر صوفی سواد و حرف نیست/ جز دل اسپید همچون برف نیست/ زاد دانشمند آثار قلم/ زاد صوفی چیست آثار قدم (مولوی، ۱۳۸۹، ۲/۱۵۹-۱۶۰).

۷. اخلاص به‌معنای پاک داشتن قصد و نیت است. از ملاحظه غیر حق و از کلیه حظوظ، خواه دنیوی و خواه اخروی و بعضی گفته‌اند آنست که غرض از عمل تنها تقرب به خدای تعالی باشد. ظاهراً مقصود مولانا از «اخلاص جان» مرتبه دقیق و باریک اخلاص است (فروزانفر، ۱۳۸۰، ۱۷۰).

منابع

- احمدی ملکی، رحمان. (۱۳۸۷). فرم‌ها و نقش‌های نمادین در مساجد ایران. مجموعه مقالات همایش معماری مسجد، گذشته، حال، آینده، جلد ۱. تهران: دانشگاه هنر.

- ارژمند، محمود و خانی، سمیه. (۱۳۹۱). نقش خلوت در معماری خانه ایرانی. مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، ۲(۷)، ۲۷-۳۸.

- اسفراینی، عبدالرحمن بن محمد. (۱۳۵۸). کاشف‌الاسرار (به اهتمام هرمان لندلت). تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی شعبه تهران با همکاری دانشگاه تهران.

- افلاکی، احمد. (۱۳۷۵). مناقب‌العارفین (به تصحیح حسین یازجی). تهران: دنیای کتاب.

- برهانی‌فر، سحر، مظهری، محمدابراهیم، تقوایی، ویدا، وثیق، بهزاد و اشرف‌زاده، رضا. (۱۴۰۰). بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر اجتماع‌پذیری مجتمع‌های مسکونی با رویکرد حفظ خلوت (نمونه مورد مطالعه: مجتمع مسکونی ششصد دستگاه مشهد).

فصلنامه مطالعات شهری، ۱۰(۳۸)، ۱۰۶-۹۱. <http://dx.doi.org/10.34785/J011.2021.982>

- پیشوایی، حمیدرضا و قیومی بیدهندی، مهرداد. (۱۳۹۲). خاک و خرد تأملی در شأن معماری در مثنوی معنوی. دو فصلنامه معماری ایرانی، ۲(۳)، ۱۷-۳۵. <http://dx.doi.org/10.52547/jria.9.1.1>

- جعفری، محمدتقی. (۱۳۸۶). فکرواره مثنوی. تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

- خامنه‌زاده، حنا. (۱۳۹۶). مفهوم خلوت و چگونگی تحقق آن در زیست-جهان خانه ایرانی مطالعه تطبیقی آن در خانه ایرانی ماقبل مدرن و خانه مدرن ایرانی. *باغ نظر*، ۱۴(۴۹)، ۳۳-۴۴.
- خواجه‌گیر، علیرضا، احمدپور مبارکه، مریم. (۱۳۹۳). موانع و آثار سیر انفسی انسان در بینش عرفانی مولوی. *ادبیات عرفانی*، ۵(۱۰)، ۱۸۱-۲۰۸.
- دباغ، سروش. (۱۳۸۶). سکوت و معنا. تهران: صراط.
- زمانی، کریم. (۱۳۸۳). میناگر عشق. تهران: نشر نی.
- سپهسالار، فریدون بن احمد. (۱۳۸۷). رساله سپهسالار در مناقب حضرت خداوندگار (مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمد افشین‌وفایی). تهران: سخن.
- سمنانی، علاالدوله. (۱۳۶۲). *العروة لاهل الخلوه و الجلوه*. تهران: چاپ نجیب مایل هروی.
- سه‌روردی، شهاب‌الدین. (۱۳۷۴). *عوارف‌المعارف* (ترجمه ابومنصور بن عبدالؤمن اصفهانی). تهران: علمی و فرهنگی.
- شهیدی، سید جعفر. (۱۳۸۰). شرح مثنوی. تهران: انتشارات علمی - فرهنگی.
- عارف‌زاده، الیاس. (۱۳۸۹). سکوت اخلاقی و عرفانی در مثنوی. *پژوهش‌نامه اخلاق*، ۳(۱۰)، ۱۳۷-۱۶۰.
- فتح‌الهی، علی و صحرایی، قاسم. (۱۳۹۲). ابعاد اجتماعی مهارت‌های زندگی از دیدگاه مولوی. *پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی (پژوهش‌نامه زبان و ادبیات فارسی)*، ۵(۱۷)، ۱۹۱-۲۱۸.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان. (۱۳۸۰). سخن و سخنوران. تهران: نشر خوارزمی.
- کاکایی، قاسم. (۱۳۸۲). وحدت وجود به روایت ابن عربی و مایستر اکهارت. تهران: انتشارات هرمس.
- گوهرین، سیدصادق. (۱۳۸۲). شرح اصطلاحات تصوف (ج ۷ و ۸). تهران: انتشارات زوار.
- مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۸۹). *مثنوی معنوی* (تصحیح کریم زمانی) (ج ۵ تا ۷). تهران: اطلاعات.
- نجم‌الدین رازی، عبدالله بن محمد. (۱۳۷۳). *مرصادالعباد من المبدأ الی المعاد* (با اهتمام محمدامین ریاحی). تهران: علمی و فرهنگی.
- نسفی، عزیزالدین بن محمد. (۱۳۷۲). *الانسان‌الکامل* (به تصحیح مازیان موله). تهران: طهوری.
- Borhanifar, S, Mazhari, M E, Taghvaei, V, Vasiq, B, & Ashrafzadeh, R. (2022). Presenting a Conceptual Model of the Components Making the Sense of Privacy in the Mosques. *International Journal of Architectural Engineering & Urban Planning*, 32(3). Doi: <http://dx.doi.org/10.22068/ijaup.586>.
- Daneshpour, A., & Charkhchyan, M. (2011). Public Spaces and Factors Affecting Collective Life. *Bagh-E-Nazar*, 4(7), 19-28.
- Straus, A. & Corbin, J. (2017). *Basic of Qualitative Research: Techniques and Procedures for developing Grounded Theory* (3 Ed). Los Angeles: Stage publication.